



حجر بن عدی؛ مدافع شجاع ولایت در برابر جسارت‌های حاکمان کوفه

حجر بن عدی مدافع جایگاه ولایت بود و بعد از پذیرش صلح از سوی امام حسن (ع) که شاهد جسارت‌های وقیحانه حاکمان کوفه از سوی معاویه بود که به ساحت مقدس امیرالمومنین (ع) بفرار منبر کوفه لعن و سب می‌کردند، در برابر آنها ایستاد و از هجمه تهدیدها نهراسید.

حجر بن عدی مدافع جایگاه ولایت بود و بعد از پذیرش صلح از سوی امام حسن (ع) که شاهد جسارت‌های وقیحانه حاکمان کوفه از سوی معاویه بود که به ساحت مقدس امیرالمومنین (ع) بفرار منبر کوفه لعن و سب می‌کردند، در برابر آنها ایستاد و از هجمه تهدیدها نهراسید.

محمدحسین رجبی دوانی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع) در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به بیان مطالبی درخصوص نقش حجر بن عدی (رض) در تاریخ اسلام پرداخت.

وی گفت: حجر بن عدی (رض) از اصحاب رسول خدا (ص) و یاران امیرالمومنین (ع) بوده است. این بزرگوار از قبیله کنده از قبایل سرشناس یمنی و از بزرگان این قبیله به شمار می‌آید. می‌دانیم که حضرت علی (ع) در سال 10 هجرت از سوی رسول خدا (ص) برای تبلیغ اسلام به یمن رفت و مردم عرب این منطقه را در مدت 6 ماه که حضرت در آن جا حضور داشت، مسلمان کرد.

این مدرس دانشگاه افزود: حجر بن عدی (رض) از همان‌جا به حضرت علی (ع) اعتقاد و ایمانی راسخ پیدا کرد و باعث مسلمان شدن تعداد زیادی از افراد قبیله‌اش یعنی کنده شد و بعد از ارتحال رسول خدا (ص) در هنگام فتوحاتی که توسط خلفا صورت گرفته بود، ایشان در منطقه‌ای از شام به نام 171#&مرج عذرا؛ نقش اساسی داشت و در واقع فاتح این منطقه بود و از عجایب پیرامون شخصیت این انسان بزرگوار این بود که در همین منطقه نیز به شهادت رسید و در همان جا هم دفن شد.

رجبی دوانی گفت: حجر بن عدی (رض) در کوفه ساکن شده بود و از بزرگان و رجال این شهر به شمار می‌آمد، وقتی که امیرالمومنین (ع) به خلافت رسید، یکی از اعظم اصحاب آن حضرت شد و او که در زهد و کثرت عبادت مشهور و مورد توجه بسیار امیرالمومنین (ع) بود، در جنگ صفین فرماندهی کندیان حاضر در سپاه حضرت را به عهده داشت و پیش از آن در جنگ جمل شرکت داشت و در جنگ نهروان هم از فرماندهان رده اول سپاه امیرالمومنین (ع) بود.

این پژوهشگر تاریخ اسلام در ادامه افزود: می‌دانیم که بعد از جنگ نهروان، موقعیت امیرالمومنین (ع) عوض شد و بعد مردم بی‌بصیرت و بی‌وفای کوفه در یاری آن حضرت کوتاهی می‌کردند و هرچه آن بزرگوار تلاش کرد که مجدداً لشکری برای سرکوبی معاویه حاکم یاغی و خودرای شام فراهم کند و کار او را یکسره کند، مردم کوفه با وجود این‌که نظامی بودند و از آن حضرت حقوق دریافت می‌کردند تا به امر او به مقابله با دشمنان بروند، کوتاهی کردند و نگذاشتند که سپاهی فراهم شود.

محمدحسین رجبی دوانی:

حجر بن عدی بعد از شهادت امیرالمومنین (ع) همراه با امام مجتبی (ع) بود و در موقعیتی که اکثریت رجال و اشراف کوفه و مردان بی‌بصیرت این شهر، امام مجتبی (ع) را رها کرده بودند، حجر مردانه در دفاع از فرزند پیامبر (ص) و خلافت مشروع و حق آن بزرگوار، در عرصه بود

وی ادامه داد: از سوی دیگر، معاویه از طریق جاسوسان خود خبر گرفت که مردم کوفه در اطاعت حضرت سستی می‌کنند و آن بزرگوار نتوانسته است سپاهی برای مقابله با او مجدداً فراهم کند، لذا در این موقعیت معاویه است که در قلمرو امیرالمومنین (ع) به حملات غافلگیرانه که در اصطلاح زبان عربی به نام 171#&غارث؛ تعبیر می‌شود، اقدام می‌کند و دسته‌های جنایتکار رعب و وحشت را به اعماق قلمرو حضرت اعزام می‌کند و با کشتار و چپاول مردم، باعث ناامنی حکومت امیرالمومنین (ع) و ناامیدی مردم از آن حضرت شوند.

وی گفت: در جریان یکی از این غارت‌ها که فرماندهی آن را یکی از جنایتکاران شام به نام 171#& سفیان بن عوف غامدی& را؛ به عهده داشت و به عراق هجوم آورده بود، امیرالمومنین(ع) وقتی گروهی را بسیج کرد و فرماندهی آنان را به 171#& حجر بن عدی& داد، این مرد بزرگ وفاداری خود را این گونه نسبت به امیرالمومنین(ع) اعلام کرد که گفت: 171#& به خدا سوگند در راه شما و دفاع از شما، اگرچه دارایی ما به غارت برود و اعضای قبیله‌هایمان کشته شوند، ما هیچ باکی نداریم&.

این استاد دانشگاه ادامه داد: وقتی که حجر این معرفت را از خود نشان داد، امام علی(ع) در تجلیل از او فرمود: 171#& خدا شهادت را بر تو ای حجر حرام نکند، چرا که می‌دانم و شهادت می‌دهم که تو از اهل شهادت هستی& و حجر به تعقیب نابه‌کاران پرداخت و آنان را از عراق فراری داد؛ مورد دیگر غارتی است که 171#& ضحاک بن قیس فهری& یکی از جنایتکاران مورد اعتماد معاویه در راس گروه کثیری به اطراف کوفه حمله کرد و امیرالمومنین(ع) مجدداً حجر را برای مقابله با این جنایتکاران اعزام کرد که حجر موفق شد ضحاک بن قیس را شکست بدهد و او هم بگریزد و از عراق فراری شود. حجر به قدری مورد اعتماد امیرالمومنین(ع) بود که آن حضرت در نظر داشت 171#& اشعث بن قیس&، بزرگ یمنی‌های مقیم کوفه را که از قبیله حجر بود و رئیس یمنی‌های کوفه به شمار می‌آمد، از آن جایگاه عزل کند، چرا که اشعث نفاق و دشمنی‌اش با امیرالمومنین(ع) آشکار بود و حضرت قصد داشت که به جای او حجر بن عدی را به عنوان رهبر یمنی‌های مقیم کوفه بگمارد که نقطه مقابل اشعث بود، منتها حجر بن عدی به سبب نفرتی که از اشعث بن قیس داشت و کینه او نسبت به علی(ع) را می‌دانست، به حضرت عرض کرد تا زمانی که اشعث به عنوان يك كندی زنده است، من نمی‌توانم ریاست کندی‌ها و یمنی‌ها را به عهده بگیرم.

وی اشاره به تیزبینی حجر و ارادت او به امیرالمومنین(ع) گفت: اظهار کرد: حجر در سحرگاه 19 رمضان در مسجد مشغول عبادت بود و دید که اشعث بن قیس با ابن ملجم مشغول صحبتی به راز است. حساس شد و به سخنان آنها توجه کرد و دید که اشعث به ابن ملجم می‌گوید: 171#& در کار خودت شتاب کن، پیش از آن که صبح تو را رسوا کند& . با این‌که به رمز سخن گفته بودند، حجر متوجه شد که اشعث و ابن ملجم قصد سوئی نسبت به علی(ع) دارند، لذا برگشت و به او گفت: ای اعور(يك چشم)! تو قصد جسارت و قصد سوء نسبت به امیرالمومنین(ع) داری. نخواهم گذاشت که موفق شوی و حرکت کرد که به نزد امیرالمومنین(ع) برود و آن بزرگوار را از توطئه این افراد منافق و خبیث آگاه کند، ولی متأسفانه از راهی به سراغ حضرت رفت که امیرالمومنین(ع) از راه دیگری به سوی مسجد می‌آمد، لذا وقتی رفت و حضرت را نیافت و به مسجد بازگشت، هنگامی رسید که شنید می‌گویند که امیرالمومنین علی(ع) را ضربت زدند.

حجر یاور همیشگی ولایت

دوانی ادامه داد: حجر بن عدی بعد از شهادت امیرالمومنین(ع) همراه با امام مجتبی(ع) بود و در موقعیتی که اکثریت رجال و اشراف کوفه و مردان بی‌بصیرت این شهر، امام مجتبی(ع) را رها کرده بودند، حجر مردانه در دفاع از فرزند پیامبر(ص) و خلافت مشروع و حق آن بزرگوار، در عرصه بود و بعد از پذیرش صلح که برای حجر و شیعیانی نظیر او بسیار سنگین و سخت بود، شاهد جسارت‌های وقیحانه و گستاخانه حاکمان کوفه از سوی معاویه بود که به فرمان او به ساحت مقدس امیرالمومنین(ع) بر فراز منبر کوفه لعن و سب می‌کردند. حجر در برابر سب و لعن حضرت توسط مغیره بن شعبه ثقفی، حاکم معاویه در کوفه ایستاد و لعنی را که او می‌کرد به خود او و به معاویه باز می‌گرداند و نهایتاً مغیره نسبت به او تاحدی مدارا می‌کرد.

وی همچنین خاطرنشان کرد: بعد از مرگ مغیره، هنگامی که 171#& زیاد بن ابیه& به فرمانروایی کوفه رسید، شروع به سب و لعن امیرالمومنین(ع) کرد و حجر مقابله می‌کرد، البته زیاد چون با حفظ سمت، فرمانروای بصره هم بود، هنگامی که در بصره بود، عمرو بن حریص به جای او در کوفه حکومت می‌کرد. 171#& عمرو بن حریص& هم به تبع فرمان معاویه به سب امیرالمومنین(ع) پرداخته بود که حجر و یارانش در برابر او ایستادند و از ساحت قدسی علی(ع) دفاع کردند. 171#& عمرو بن حریص& که در خود یارای مقابله با حجر را نمی‌دید، موضوع را به 171#& زیاد بن ابیه& خبر داد، زیاد به کوفه آمد و حجر را تهدید کرد که اگر دست از حمایت علی(ع) برندارد، بلایی به سر او خواهد آورد که باعث عبرت دیگران شود.

دوانی با تأکید بر شجاعت حجر و عدن ترس او از تهدیدهای مطرح شده، گفت: حجر از این تهدیدها نهراسید و به دفاع از امیرالمومنین(ع) و بازگردان لعن و سب به معاویه ادامه داد که تحت تعقیب زیاد بن ابیه قرار گرفت و به همین سبب متواری شد و از سوی دیگر 171#& زیاد بن ابیه& گروهی از رجال قبیله او را گرفته بود و می‌خواست به جرم 171#& حجر&، آنها را مجازات کند تا این‌که گروهی همچون جریر بن عبدالله بجلی و عبدالله بن حارث، برادر مالک اشتر، نزد زیاد بن ابیه رفتند و از او برای حجر امان خواستند که حجر اگر خود را معرفی کرد، با او کاری نداشته باشد و او را نزد معاویه بفرستد و زیاد قبول کرد.

وی ادامه داد: آنها هم به حجر خبر دادند و حجر از مخفی گاه بیرون آمد و نزد زیاد آمد، ولی آن ملعون او را به زندان انداخت و یارانش را دستگیر کرد و جز دو نفر از یاران او به نام‌های 171#& عمرو بن حمق خزاعی& و 171#& رفاعة بن شداد&

بجلی؛ که از کوفه گریختند، بقیه که 12 تن بودند، دستگیر شدند و با حجر در زندان بودند. زیاد بن ابیه گروهی از بزرگان کوفه و روسای قبایل را از جمله 171؛ ابوبرده فرزند ابوموسی اشعری؛ را حاضر کرد و از آنها خواست شهادت بدهند که حجر و یارانش از اسلام برگشته‌اند و مسلمان نیستند و عقیده دارند که خلافت فقط باید به اولاد ابوطالب برسد و از دیگران هم برائت می‌جویند و آنها را نکوهش می‌کنند.

دوانی گفت: این گواهی را گروهی از اشراف کوفه هم از جمله 171؛ شریح قاضی؛ دادند و در پی این طوماری که بر ضد حجر بن عدی و یارانش فراهم شده بود، زیاد بن ابیه، این مرد بزرگ و همراهانش را در بند به سوی معاویه فرستاد و این‌ها وقتی به 171؛ مرج عذراء؛ در شام رسیدند، معاویه آن‌ها را در همان‌جا نگه داشت و به آنها پیغام داد که باید از علی (ع) برائت بجویند تا با آنها کاری نداشته باشند، ولی اینها مردانه ایستادند و حاضر نشدند چنین جسارتی به علی (ع) بکنند. گروهی از نزدیکان معاویه وساطت کردند و 6 نفر از یاران حجر را که از قبیله آنها بودند، معاویه به خاطر آنها بخشید و آزاد کرد، اما حجر و بقیه یارانش را به خاطر این که حاضر به برائت از علی (ع) نبودند، محکوم به اعدام کردند.

محمدحسین رجبی دوانی:

حجر پیش از این که به شهادت برسد، گفت بگذارید من وضو بگیرم و نماز بخوانم، چرا که وضویی نگرفتم، مگر این که با آن نماز خواندم. او نماز کوتاهی خواند و فرمود: 171؛ به خدا قسم نمازی از این کوتاه‌تر نخواندم و اگر گمان این را نداشتم که شما تصور می‌کنید که من از مرگ می‌ترسم، دوست داشتم این آخرین نماز را بسیار طولانی بخوانم

این پژوهشگر تاریخ افزود: حجر پیش از این که به شهادت برسد، گفت بگذارید من وضو بگیرم و نماز بخوانم، چرا که وضویی نگرفتم، مگر این که با آن نماز خواندم. او نماز کوتاهی خواند و فرمود: 171؛ به خدا قسم نمازی از این کوتاه‌تر نخواندم و اگر گمان این را نداشتم که شما تصور می‌کنید که من از مرگ می‌ترسم، دوست داشتم این آخرین نماز را بسیار طولانی بخوانم، اما خداوند از امت خود به تو شکایت می‌برم که اهل کوفه برضد ما گواهی دادند و اهل شام هم ما را می‌کشند. به خدا اگر براساس آن گواهی ما را بکشید، بدانید که من اولین قهرمان مسلمانان هستم که در این وادی به قتل رسیدم و نخستین مسلمانی هستم که به این‌جا آمده و سگ‌ها به من پارس می‌کردند؛.

شیر بیشه ولایت

رجبی دوانی در پایان خاطرنشان کرد: یکی از جنایت‌کاران معاویه برای کشتن حجر شمشیر برداشت و حجر لرزید. ماموران معاویه گفتند: 171؛ مگر تو نگفتی از مرگ نمی‌ترسی؟ اگر از علی (ع) برائت کنی، تو را رها می‌کنم؛ حجر گفت: 171؛ من چرا نلرزم، درحالی که برای من قبرهایی حفر شده و کفن‌هایی آماده شده و شمشیرها کشیده شده. اگر از قبر بترسم، چیزی نمی‌گویم که خدا را به خشم بیاورم. سپس او را گردن زدند و 6 نفر از همراهانش را به شهادت رساندند و در مرج عذرائی که خود حجر فاتح آن‌جا بود پیکر مقدسش را به خاک سپردند. فاجعه شهادت حجر چنان جانکاه بود که حتی عایشه بر معاویه خرده گرفت که تو برای چه کسی مثل حجر را به قتل رساندی که معاویه عذری آورد و از کشتن حجر بن عدی اظهار پشیمانی کرد.